

شرایط تعریف صحیح (۱ از ۲)

شرایط تعریف صحیح

۱- واضح بودن

باید تعریفی که ارائه می‌دهیم از آنچه قصد تعریفش را داریم، واضح‌تر و آشکارتر باشد، یعنی در تعریف باید از واژه‌ها و مفاهیمی استفاده کنیم که درک آن برای شنونده دشوارتر نباشد یا وی را به اشتباه نیندازد.

به عبارت دیگر در تعریف باید از مفاهیمی استفاده شود که روشن‌تر و شناخته‌شده‌تر از مفهوم مجهول باشد.

برای واضح بودن، باید از استفاده‌ی چهار مدل لفظ پرهیز کرد:

۱- مبهم

۲- نامانوس

۳- استعاره

۴- دارای ایهام

منطق

مثال:

- ۱- در تعریف انسان بگوییم «موجود» = مبهم
- ۲- در تعریف عنصر بگوییم « اسطقس» = نامانوس و ناشناخته
- ۳- در تعریف هلال ماه بگوییم « گوشواره‌ی آسمان» = استعاره
- ۴- در تعریف هوا بگوییم «اسطقس شفاف‌ی است که نور را از خود عبور می‌دهد.»
- ۵- در تعریف قیمتی بگوییم «ثمین».

۲- جامع بودن

تعریف، باید همه‌ی مصادیق و افراد مفهومی که قصد تعریف آن را داریم در برگیرد و به اصطلاح «جامع افراد» باشد؛
مثلا تعریف مثلث به «شکل سه ضلعی که دو ضلع آن برابر باشد» همه‌ی افراد و مصادیق «مثلث» را در بر نمی‌گیرد و مثلث مختلف‌الاضلاع را شامل نمی‌شود. در نتیجه این تعریف از مثلث جامع نیست.
فلز: عنصری که هادی الکتریسیته است و در دمای معمولی جامد است.
← تمرین جامعی نیست زیرا جیوه را در بر نمی‌گیرد.

۳- مانع بودن

تعریف ارائه شده، تنها باید مصادیق و افراد آن مفهوم مورد نظر را در بر بگیرد و شامل مصادیق و افراد مفاهیم دیگر نشود. در اصطلاح تعریف باید «مانع اغیار» باشد؛ یعنی ورود مصادیق غیر از مفهوم مورد نظر را منع کند.

مثلا اگر در تعریف «پرتقال» بگوییم: «یک میوه» این تعریف میوه‌های غیر از پرتقال را که مورد نظر ما نبوده است هم در بر می‌گیرد؛ یعنی تعریف ما مانع میوه‌های غیر پرتقال نیست.

آیینه: شئی‌ای که تور را منعکس می‌کند ← مانع نیست زیرا شامل سایر اشیاء صیقلی نیز می‌شود.

۴- دوری نبودن

چهارمین ویژگی یک تعریف صحیح، دوری نبودن آن است. تعریف دوری، تعریفی است که یک چیز با خودش (تعریف شئی به خودش) تعریف می‌شود؛ به عبارت دیگر، زمانی که قصد تعریف یک مفهوم را داریم از خود آن مفهوم در تعریف استفاده می‌کنیم.

این تعریف را تعریف دوری می‌گویند که نادرست است.

مثال:

انرژی خورشیدی: یکی از انواع انرژی که از خورشید گرفته می‌شود.